

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

اکبر نوروژی
۲۹ اکتوبر ۲۰۲۰

نگاهی گذرا به وابستگی سلطنت پهلوی به امپریالیستها

بخش سوم و پایانی : رضا پهلوی

در این بخش در ارتباط با وابستگی خاندان پهلوی به امپریالیست ها به مورد رضا پهلوی، پسر شاه سرسپرده، پرداخته خواهد شد.

در رابطه با آن چه در بخش قبلی در ارتباط با رژیم شاه سابق گفته شد، لازم به یادآوری است که محمد رضا شاه که با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد [اسد] سال ۱۳۳۲ توسط امپریالیست های انگلیس و امریکا بر علیه حکومت قانونی دکتر مصدق، بار دیگر به قدرت رسانده شد، شرایط غارت و چپاول و استثمار نیروی کار در ایران توسط اربابانش را فراهم آورد. اولین اقدام، قرارداد کنسرسیوم بود که طی آن ذخایر نفت ایران که دولت مصدق آن را ملی کرده بود در اختیار امپریالیست ها قرار گرفت. رژیم شاه برای حفظ منافع امپریالیست ها (به خصوص امپریالیسم انگلیس و امریکا) در ایران، دیکتاتوری لجام گسیخته ای را در جامعه به وجود آورد تا آن جا که صدای هر انسان آزایخواه و انقلابی و مبارزی در سپاهچال های شاه با شکنجه و اعدام و تیرباران جواب داده شد. به این ترتیب شاه با اعمال وحشیانه اش علیه مردم، نشان داد که سرکوب داخلی جزئی جدائی ناپذیر از سرسپردگی به بیگانگان و خدمت برای اربابانش می باشد. در نتیجه با خیزش میلیونی توده های مردم که از فقر و فلاکت و خفقان به تنگ آمده و خواهان پایان یافتن نظام ظالمانه شاه بودند، انقلاب سال ۵۷ در ایران رقم زده شد.

رضا پهلوی، پسر شاه سابق و نوه کسی که مردم ایران او را با نام رضا قلدر می شناسند، علی رغم آگاهی به این امر که پدرش با قدرت توده های مردم به زباله دان تاریخ سپرده شد و جدش را نیز انگلیس ها با خفت و خواری از قدرت برکنار کردند، هنوز رؤیای نشستن بر تخت سلطنت را در سر خود می پروراند. او در صحبت ها و مصاحبه های خود همواره از اشتباه مردم ایران صحبت می کند که گویا از سر ناآگاهی حکومت پدرش را ساقط کرده و به دست خود، رژیم آخوند ها را بر سر کار آوردند. ولی این ادعا درست نیست.

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی به هیچ وجه حاصل و خواست مبارزات مردم ایران نبود. اگر به خواسته ها و شعارهای مردم در آن سال ها نگاه کنیم، مردم برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و به عبارتی دیگر علیه وابستگی به امپریالیست ها و دیکتاتوری و فقر و فلاکت به پاخاستند، اما رژیم کنونی با کمک امپریالیست ها و با توسل به فریب و ریا و در ادامه با قهر ضد انقلابی و سرکوب مبارزات آنان، از تحقق به خواسته های انقلابی و بحق شان

جلوگیری کرد. در نتیجه قدرت گیری خمینی جلاد و رژیم جمهوری اسلامی ارتجاعی اش، حاصل انقلاب مردم نبوده، بلکه حاصل سیاست های قدرت های بزرگ امپریالیستی بود که در کمین انقلاب توده ها بودند. کنفرانس گوادلوپ، نمایانگر پیوند رژیم جمهوری اسلامی با اربابانش بود تا روند وابستگی و حفظ سیستم سرمایه داری وابسته، با قلع و قمع مبارزات توده ها در ایران، ادامه پیدا کند. بنابراین اگر چه حکومت شاه به قدرت مردم از بین رفت ولی چون سیستم سرمایه داری به جا ماند وابستگی به امپریالیست ها همچنان تداوم یافت. این واقعیات نشان می دهند که دیکتاتوری که امروز توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران برقرار است، و زندان و شکنجه و فقر و فلاکت، همه ریشه در سرسپردگی این رژیم و رژیم های گذشته به امپریالیست ها و تداوم این سرسپردگی توسط رژیم جمهوری اسلامی دارد.

امروز در روند وابستگی ایران، به خصوص بعد از قیام های قهرمانانه ایران در دیماه [جدی] ۹۶ و آبان [عقرب] ۹۸، طیف گسترده ای از ضد انقلابیون و خائنین با توهم به این که بر موج مبارزات مردم سوار شوند و مبارزات آنان را به انحراف بکشانند، در کمین انقلاب توده ها هستند تا انقلاب فردای مردم ایران را به دست قدرت های سرمایه داری بسپارند. آن ها خیال شان را خوش کرده اند که با توسل به شعارهای دروغین دموکراسی و آزادی، خواهند توانست باز مردم را فریب دهند. یکی از این افراد ضد انقلابی، رضا پهلوی می باشد. با توجه به این که طفره رفتن از ذکر واقعیات و توجیه جنایات خاندان پهلوی همیشه یکی از ترفندهای او بوده، وی در یک سخنرانی در یکی از اندیشکده های امریکا به تاریخ ۲۴ آذر [قوس] ۱۳۹۷ برابر با ۱۴ دسمبر ۲۰۱۸ ادعا می کند که رضا شاه برای (ایرانی که هیچ بوده) ایرانی مدرن ساخت و برای تلطیف دیکتاتوری پدرش، از آن به عنوان "عدم فضای باز سیاسی" صحبت می کند. در مصاحبه با اندرئا گلاودیا هوفمان نیز او بدون هیچ گونه اعتقاد و احترام به عقاید مردم ایران، خود را شاه ایران قلمداد کرده و چنین می گوید: "طبق قانون اساسی ما، می بایستی من به این سن رسیده باشم تا بتوانم شاه شوم. البته می بایستی در مجلس ایران هم سوگند پادشاهی یاد می کردم، بنا بر این می توان گفت که «بنا به قانون» شاه ایرانم". او در همان سخنرانی در قسمتی از صحبت هایش چنین می گوید: "در جریان انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ مردم نمی دانستند چه می خواهند، اما او با مردم رو راست است و از حالا به آن ها می گوید که او می خواهد، ایران قانون اساسی سکولاری داشته باشد که همه در آن برابر باشند." برآستی چگونه می توان خواسته ها و آگاهی مردم را در انقلاب سال ۱۳۵۷ چنین توهین آمیز و ابلهانه بیان کرد؟ این نظر به هیچ وجه درست نیست که مردم در انقلاب ۵۷ نمی دانستند که چه می خواهند. به عکس، مردم مبارز ایران آگاهانه علیه وابستگی جامعه خود به امپریالیست ها و در رأس آن ها امپریالیسم امریکا، علیه دیکتاتوری و فقر و فلاکت بپاخاستند. از این رو نمی توان آنان را متهم به این حد از ناآگاهی کرد. در انقلاب سال ۱۳۵۷ مردم ایران، آگاهانه شعارهایی مانند آزادی و استقلال می دادند که حاکی از خواست آن ها برای پایان دادن به سلطه امپریالیست ها در ایران و رسیدن به رفاه و آزادی بود. برای این منظور، آن ها شعار می دادند "تنها ره رهایی، جنگ مسلحانه" تا بتوانند نظم نوینی جایگزین نظام فاسد و دیکتاتوری پیشین نمایند.

در نوشته قبلی به وابستگی و دیکتاتوری رژیم شاه اشاره شد و نشان داده شد که هیچ انسان مبارز و آزادیخواه و انقلابی از زیر تیغ دیکتاتوری رژیم شاه جلاد جان سالم بدر نبرد. رضا پهلوی به مردم نمی گوید، اگر انقلاب ۵۷ بوقوع نمی پیوست، سرنوشت هزاران زندانی سیاسی که بدست مردم از زندان ها آزاد گردیدند، به کجا می کشید؟ آیا سرنوشتی به جز اعدام، تیرباران (کاری که جمهوری اسلامی در ادامه کار شاه انجام داد)، در انتظار آن ها نبود؟

رضا پهلوی امروز بدلیل ترس از قدرت توده ها، با فریبکاری، خود را طرفدار مردم جلوه داده و شعار دموکراسی سر می دهد تا به اهداف پلیدش که همانا نوکری به قدرت های امپریالیستی در پوشش دموکراسی کاذب می باشد، دست پیدا

کند. با نگاهی به یکی از نامه های او به ترامپ که در تاریخ دوشنبه ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ بوده، شاهد آن هستیم که از تلاش های امریکا برای مقابله با رژیم جمهوری اسلامی قذرانی می کند. وی مینویسد: "در حالی که ما از تلاش دولت ایالات متحده برای مقابله با رژیم تروریستی قذرانی می کنیم، ما انتظار داریم رهبران و مقامات آن بطور مناسب به مناطق تاریخی و جغرافیائی ثبت شده با نام های مناسب خود اشاره کنند. از توجه شما به این موضوع سپاسگزارم". و یا به تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۷ در گفتگو با خبرنگار آسوشیتدپرس چنین می گوید: "از کمک های هر کسی از جمله امریکا، سعودی ها، اسرائیلی ها استقبال می کند." گوئی اگر نوکر صفتی، مزدوری و خیانت به مردم در کارنامه و دستور این خاندان جنایتکار قرار نداشت، نیروهای ضد خلقی فوق حاضر به کمک به او می بودند. امروز او در شرایطی از پدرش و حکومت وابسته به امپریالیسم پیشین دفاع می کند که هنوز زنان و مردانی هستند که از دوره شاه آثار شکنجه بر روی جسم و روان آنان باقی مانده است. این ها گواه و مدارکی هستند تا به نسل امروز ثابت کنند که حرف زدن رضا پهلوی از دمکراسی، دروغی بیش نیست و او خواهان گسترش و تداوم وابستگی و دیکتاتوری دیگری در کشور ما می باشد. به طوری که او امروز گرفتن کمک های مالی یعنی گدائی کردن از قدرت های سرمایه داری و سرسپردگی به آنان را مانند همه مزدوران، جزئی جدائی ناپذیر از عملکردهای خود می داند.

مدارکی وجود دارند که رابطه او با سازمان جاسوسی سیا و جریانات دیگر را نشان می دهند. این مدارک چهره کریه و ددمنشانه او را که ادعای دمکراسی و آزادی در ایران را دارد برای مردم ایران آشکار می سازند. بعنوان مثال میتوان به کتاب "من و خاندان پهلوی" نوشته احمد علی مسعود انصاری و یا کتاب اندرو فریدمن بنام "Covert Capital" اشاره کرد. در کتاب "من و رضا" که ادامه همان کتاب من و خاندان پهلوی می باشد، چنین آمده است که از صد و پنجاه هزار دلار، که ماهانه سازمان سیا پرداخت می کرد و به حسابی بنام پهلوی سوم (رضا پهلوی) ریخته می شد، بر طبق توافق باید پنجاه هزار به پرویز ثابتی، مقام امنیتی زمان محمدرضا شاه و شکنجه گر ساواک پرداخت می شد و بقیه را که در کتاب به آن اشاره شده به نزدیکان رضا پهلوی که همگی از حساب او حقوق دریافت می کردند، یعنی این افراد می توانند بگویند که از رضا پهلوی حقوق دریافت می کنند، نه از سازمان سیا.

در همان کتاب من و خاندان پهلوی به یکی از کمک های کشور عربستان سعودی در سال ۱۹۸۰ اشاره شده که مبلغ هفت میلیون دلار به رضا پهلوی کمک مالی شده است. با توجه به این که تا به امروز از طرف رضا پهلوی علیه این اسناد و مدارک مهم هیچ اقدامی صورت نگرفته است، خود بیانگر صحت و درستی آن می تواند باشد. دزدی ها و روابط با مخوف ترین و خطرناک ترین سازمان های جاسوسی جهان توسط خاندان پهلوی و همچنین رضا پهلوی، امروز امری نیست که مردم از آن آگاهی و اطلاعی نداشته باشند. امروز کاملاً آشکار است که رضا پهلوی و دیگر بقایای شاه خائن، چگونه با ثروت دزدیده شده از مردم، هنوز به زندگی سلطنتی و شاهانه خود در خارج از مرزهای ایران ادامه می دهند و با نقشه های مذبوحانه و ددمنشانه اشان در تدارکی دیگر برای آفرینش جهنمی دیگر در ایران می باشند.

طبیعی است که با گرفتن کمک از منابع ضد خلقی و امپریالیستی، رضا پهلوی و وابستگان به جریانات سلطنت طلب و ضد انقلاب، در فردای سرنگونی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی به قدرت مبارزاتی توده ها، یکی از نیروهای خواهند بود که با تقویت نیروهای ضد انقلاب به کمک سرمایه داران جهانی خواهند شتافت تا آن ها بتوانند از طریق نفوذ در مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک به سلطه و استثمار خود ادامه دهند. چنان چه سرمایه داران وابسته در ایران در رژیم شاه با تقویت نیروهای ارتجاعی و نوکر صفت امکانی فراهم ساختند تا امپریالیست ها بتوانند در کنفرانس گوادلوپ، خمینی و دارو دسته اش (دیکتاتوری دیگری) را جایگزین رژیم شاه کرده و انقلاب ۵۷ توده ها را

عملاً ملاحور بکنند. اما در فردای انقلاب پیروزمند نوین ایران، رضا پهلوی و خائنین امثال او باید در دادگاه خلق به محاکمه کشیده شوند و جوابگوی دسیسه گری ها، دزدی ها و عوامفریبی های خود علیه مردم ایران باشند.

در روند وابستگی خاندان پهلوی بی مناسبت نمی باشد، در این جا اشاره ای هم به نقش و حمایت رسانه های امپریالیستی، از خاندان پهلوی در جهت آلترناتیوسازی و تحریف حقایق داشته باشیم. امروز رسانه های وابسته از قبیل صدای امریکا، بی بی سی، ایران اینترنشنال، رادیو فردا، من و تو و غیره که با کمک های امپریالیستی در خدمت اربابان خود و در کمین انقلاب توده ها هستند، از هیچ گونه دروغ و یا تحریف حقایق خودداری نمی کنند. مثلاً اگر به آخرین خیزش مردم در قیام خونین آبان ۹۸ و مبارزات رادیکال و انقلابی توده ها در سراسر ایران نگاه کنیم، خواهیم دید که وسعت و شدت مبارزات توده ها علیه رژیم تا به آن حد بود که در برخی از شهرها مدتی کنترل از دست نیروهای مسلح رژیم خارج شده و به دست مردم افتاد. مثلاً در شیراز و بوکان که نمونه های برجسته جنگ ستمدیدگان ما علیه دشمنان شان بودند، مزدوران مجبور به فرار شدند و مردم با مبارزات انقلابی و قهر آمیز خود و حمله به مراکز سرکوب و ستم، ژاندارمری، پلیس، پایگاه های نظامی، بانک ها، مراکز مذهبی، پمپ بنزین ها و هر چه نشان از رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی داشت را به آتش کشیدند، بطوری که رژیم جهت سرکوب مردم از سلاح های سنگین، هلی کوپتر، تانک و غیره استفاده کرد. با این توضیح کوتاه حال اگر نگاهی به نقش این رسانه های خود فروخته در قیام خونین آبان ۹۸ داشته باشیم، می بینیم که رسانه ها و تلویزیون های نام برده، بخصوص تلویزیون "من و تو" بطور مستمر و با تبلیغات گسترده سعی کرده و می کنند که خبرها منتشره را به سمت و سوی خاندان پهلوی و به نفع آنان، این جرثومه فساد سوق داده و عده ای را که تحت تاثیر شعارهای بعضی از سلطنت طلبان قرار گرفته و شعارهایی به نفع رضا خان قلدر می دادند را برجسته کنند. آن ها کوشیدند خواست ها و مبارزات قهرمانانه خلق های ایران را به اسم سلطنت طلبان و خاندان پهلوی جا بزنند. گویی که با مردمی ساده لوح و نا آگاه سر و کار دارند که حاضر خواهند بود تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام قرون وسطائی را به ۲۵۰۰ سال دیگر به عقب برگردانند و تاریخ رنج و عذاب برده داری کوروش و داریوش و پاسارگاد را که بر دوش بردگان زخمی و به هلاکت رسیده ساخته شده، دوباره بوجود آورند. در عوامفریبی این رسانه ها می توان به سابقه آن ها در بی بی سی فارسی در انقلاب ۵۷ اشاره کرد که بی وقفه علیه شاه و به نفع خمینی تبلیغ می کرد و عکس خمینی را در ماه به مردم نشان می داد. رسانه های ضد خلقی کنونی در ادامه این خیانت هاست که امروز به نفع رضا پهلوی و طیف سلطنت طلبان تبلیغ می کنند و می کوشند بازگشت سلطنت را خواست مردم جا بزنند.

در این میان وضع رضا پهلوی بسیار مضحک است. او یک روز خود را پادشاه ایران می نامد، روزی دیگر ادعای یک فرد عادی را می کند، یک روز به حکومت مشروطه اعتقاد دارد، روزی دیگر به حکومت سلطنتی. او حتی در مصاحبه ای با خبرگزاری و وبسایت بلومبرگ در ماه جون ۲۰۱۸ خواستار یک انقلاب دموکراتیک در ایران شد. البته انقلاب دموکراتیک او برای مردم دارای هیچ گونه طرح و برنامه ای نمی باشد، و اتفاقاً در همین مصاحبه است که از کمک های مالی کشورهای عربستان و اسرائیل برای انقلاب دموکراتیک در ایران سخن به میان میاورد و واضح تر از هر نوع دلیل و استدلال نشان می دهد که به اصطلاح انقلاب دموکراتیک او از نوع کدام دیکتاتوری با نام دموکراسی می باشد.

در خاتمه باید اشاره کرد که رضا پهلوی و طیف سلطنت طلبان درکی از جامعه ایران و مبارزات واقعی آن ندارند. بعنوان مثال چندی پیش در یکی از مهم ترین سنگرهای مبارزه که دانشگاه ها می باشند، دانشگاه هائی که سمبل مبارزه دانشجویان علیه سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری، و سمبل مبارزه برای آزادی و برابری هستند، دانشجویان شعار

"مجاهد، پهلوی - دو دشمن آزادی" را سر دادند. این شعار عمق آگاهی دانشجویان مبارز و آن چه از تاریخ و از توده های مبارز ایران آموخته بودند را بیان نمود و به واقع دانشجویان حرف دل مردم تحت ستم و انقلابی ایران را انعکاس دادند. اما در جایی که رسانه های امپریالیستی فوق بر بوق شعار رضا شاه روح شاد می دمند، شعار دانشجویان با سکوت آن ها مواجه گردید. چرا که آن ها خوب می دانستند که شعارها و خواسته های دانشجویان فقط به دانشگاه ها مربوط نیست و بیانگر خواست ها و واقعیت هائی است که در جامعه می گذرد. باید خیال مزدورانی چون رضا پهلوی و همه سلطنت طلبان و رسانه های امپریالیستی را با تکیه بر این واقعیت راحت کرد که مردم شعار دموکراسی و آزادی امپریالیست ها را بخصوص در سال های اخیر برای کشورهای هائی مانند عراق، افغانستان، لیبی و دیگر کشورهای مردم جهان به عینه تجربه کرده اند و فریب آن ها را نخواهند خورد. دموکراسی و آزادی ارمغانی آن ها برای مردم جهان، به جز تبلیغات دروغ و در عمل جز بمباران، تجاوز، لشکرکشی نظامی، و تحکیم نفوذ و تسلط اقتصادی و سیاسی خود بر مردم ایران را در پی نخواهد داشت.

با توجه به واقعیات فوق و مبارزه شجاعانه و دلیرانه مردم ایران که تا به امروز در مقابل دشمنان اشان یعنی امپریالیست ها و سرمایه داران داخلی ایستاده و به نبردهای خونین با آن ها برخاسته اند و با ارج گذاشتن به مبارزات مردم و انقلابیون گذشته، امروز باید بتوانیم از تجربیات مبارزاتی آنان برای ساختن آینده مان درس بگیریم تا راه رسیدن به دموکراسی و آزادی واقعی را برای مردم هموار کنیم. درست است که مردم ما برای رسیدن به دموکراسی و آزادی به دو انقلاب بزرگ (انقلاب مشروطه و انقلاب ۱۳۵۷) متوسل شدند ولی انقلاب آنان به پیروزی نینجامید، اما این انقلابات دستاوردهای بزرگ و انکارناپذیری برای مردم ایران داشته اند. امروز مردم ایران به خوبی آگاه هستند که برای رسیدن به نان، مسکن، آزادی و استقلال راهی جز مسلح شدن و جنگیدن با دشمنان خود ندارند. این را تجربه انقلابات دیگر نیز به ثبوت رسانده است که تنها یک خلق مسلح است که امکان آزاد زیستن را دارد. در شرایط کنونی اولین قدم برای بسیج و سازماندهی توده ها برای جنگ علیه دشمنان خود، ایجاد تشکل های سیاسی - نظامی توسط کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی می باشد. پس وظیفه تمام نیروهای راستین انقلاب است که با تمام توان به سازماندهی جوانان مبارز و آگاه کشور که همواره با فداکاری و از جان گذشتگی در پیشاپیش صفوف کارگران و زحمتکشان، بیکاران، تهیدستان، حاشیه نشینان قرار گرفته اند، یاری رسانند، تا بتوان حول پرچم تشکل، تسلیح، اتحاد، مبارزه و پیروزی گرد آمده و در مسیر انقلاب تا تحقق خواست های کارگران و دیگر توده های تحت ستم ایران پیش رفت.

پایان

مرداد [اسد] ۱۳۹۹

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۵۴، شهریور ماه ۱۳۹۹